



از آلبرت شوایتزر

## ریشه های هنر یوهان سباستیان باخ

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
گورال در خدمت عبادت  
رساله جامع علوم انسانی

دو دوران «رفورماسیون» بچه نحو آواز مؤمنین عملاً در عبادت وارد شد؟ معمولاً مردم خیلی قضیه را سهل و آسان می شمارند و می پندارند که مؤمنین اندک اندک عادت کردند آهنگی را که توسط ارگ نواخته می شود با خود زمزمه کنند. آیا واقعاً این ساز مقدس وظیفه تعلیم مردم را بعهده گرفته است؟

اگر همه آثار لو تر را سراسر مطالعه کنیم به هیچ موضعی بر نمی خوریم که او ازارگ بعنوان سازی که آواز مردم را همراهی کند نامی بمیان آورده

باشد<sup>۱</sup>. از این هم بالاتر: او که از ستاینندگان هر نوع موسیقی حقیقی مذهبی است هیچ دستوری نمی‌دهد که از ارگ در عبادات چگونه باید استفاده کرد. گذشته از آن هر چند باور کردنی بنظر می‌آید در مواضع معدودی که او از ارگ ذکری بمیان می‌آورد لحنی تقریباً تحقیر آمیز دارد. او ارگ را در مراسم عبادت پروتستانی نه ضرور می‌داند و نه آنرا آرزو می‌کند و حداکثر آنست که او هر گاه ارگی را در مراسم عبادت سهیم دیده است آنرا بدیده اغماض نگرسته و تحمل کرده است.

معاصرین او نیز با خودش هم فکر بودند. هنگامی که بشنویم کلیسای اصلاح شده اصولاً ارگ را از مراسم عبادت حذف و آنرا از کلیسا طرد کرد نباید دچار شگفت شویم. در کلیسای لوتری و حتی در کلیسای کاتولیک در آن عهد چنین وضعی در قبال ارگ اتخاذ کرده بودند. از آن گذشته ارگ از دیرباز برای خود دشمنانی داشت. شخصی مانند « سنت توماس آکوینو»<sup>۲</sup> به ارگ اعلان جنگ داده بود زیرا او موسیقی ارگ و بطور کلی موسیقی سازی را برای ایجاد حال جذبه مناسب و شایسته نمی‌دانست. در قرن شانزدهم فریاد اعتراض از اطراف و اکناف برضد ارگ بلند شد و شورای «تریانت»<sup>۳</sup> (۱۵۴۵-۱۵۶۲) که کلیه مشکلات و معضلات کلیسایی و اعمال مذهبی را حل می‌کرد خود را ناگزیر دید که برضد بکار بردن بیجای ارگ و افراط در نواختن آن در مراسم مذهبی تصمیمات شدیدی اتخاذ کند. کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در آن هنگام موعدهای گریای کفاره گناهان ارگ معلوم کردند تا بلکه از ماهیت خلاف خدا و مذهب خود دست بکشند و در غیر اینصورت از کلیسا طرد گردند. *مجمع علوم انسانی*

۱ - این تفصیلات در واقع تکرار مطالبی است که « گئورگ ریچل » G. Rietschel بیان داشته است. قسمت اساسی آن چه خواهد آمد از نوشته عالی او تحت عنوان « وظیفه ارگ در عبادت تا قرن هجدهم » چاپ لپزیگ ۱۸۹۳ ۷۲ صفحه اخذ شده است. ریچل نخستین کسی است که تاخیدی در این زمینه بر روشن شدن مطلب کمک کرده و بجای اینکه به طرح نظریه‌ها بپردازد از اسناد، مقدمه‌های کتب سرود، مواعظ مخصوص هنگام افتتاح ارگها، خطابه‌هایی که در مرگ نوازندگان ارگ قرائت شده استمانت جسته است.

Trient - ۳ St. Thomas von Aquino - ۲

ارگ واقعا هم مستوجب چنین عقوبتی بود. وظایفی که بمعهد ارگ محول شده بود چه بود؟ پاپ کلمان هشتم در سال ۱۶۶۰ فرمانی صادر کرد که وظایف ارگ از آن بخوبی استنباط می شود. ارگ درآمد را می نواخت تا این که به کشیشان یا گروه آوازخوانان نت صحیح را یادآوری کند. از آن گذشته در اجرای آوازهای مذهبی و مدیح‌ها با آواز خوانان متناوباً همراهی می کرد؛ آن طور که يك قطعه گاه مستقلات توسط خوانندگان خوانده می شد و قطعه دیگر توسط ارگ نواخته می گردید؛ اما هیچگاه ارگ را برای همراهی آواز بکار نمی بردند. وضع ناقص ارگ در آن زمان و این که شستی‌های خشن آن اجازه نواختن آهنگهای چند صدائی را نمی داد و مضافاً که با كوك ناجور و ناقص ارگ آن زمان این ساز فقط در يك یا دو گام قابل نواختن بود خود بخود موضوع را منتفی می ساخت.

چون آواز و ارگ بدلیل فوق همکاری نمی توانستند، بنا بر این هر کدام متناوباً قطعه‌ای را اجرا می کردند. همین که ارگ وظیفه خود را در اجرای قطعه‌ای پایان می رساند همان طور که پاپ دستور داده بود متن آواز توسط خوانندگان بصداى بلند قرائت می شد و یا باصطلاح بهتر خوانده می شد. با بکار بردن ارگ بصورت مستقل باز سوء استعمال آن از بین نرفت نوازنده ارگ چون با ساز خود نمی توانست قطعات چند صدائی را بنوازد در معرض این وسوسه قرار می گرفت که بهنگام نواختن مقدمه یا قطعه‌ای که بمعهد او محول بود هرچه تندتر بنوازد و از این رهگذر خرسند شود. از این بدتر آن بود که نوازنده ارگ گاه قطعات غیر مذهبی را که مردم بر سر هر کوی و برزن می خواندند با ارگ می نواخت. در سال ۱۵۴۸ نوازنده ارگی در شتراسبورگ از کار خود برکنار گردید زیرا او خود قسمت اصلی دعا و تصنیف‌های فرانسوی و ایتالیائی را نواخته بود.

اما کار بدینجا ختم نشد و سرانجام ارگ توانست بسیاری از سرودها را از چنگ آواز دسته جمعی بیرون آورد و بخود اختصاص دهد و در مراسم دعا تقریباً متکلم وحده شود. از داستان‌هایی که برای لوتر اتفاق افتاد و او خود آنرا در یکی از گفتگوهایش بیان داشت می توان بخوبی پی برد که کار بر چه

منوال بود. لوتر چنین می گوید: «هنگامی که در «ارفورت» راهب جوانی بودم و ناگزیر برای تحصیل روزی به دهات می رفتم روزی به روستائی رسیدم و در آنجا به دعا آغاز کردم اما چون لباس خود را عوض کرده بودم و با جامه ای رسمی به محراب رفتم خادم کلیسا با عود شروع به نواختن دعا کرد. من با زحمت بسیار توانستم از خندیدن خودداری کنم زیرا من به چنین ارگی عادت نداشتم و ناگزیر از او پیروی کردم.

در آن عهد از جمله بدیهیات بود که در قطعات محاوره ارگ راجانشین آواز دسته جمعی کنند و هر گاه خادم کلیسائی ارگی در اختیار نداشت با آسانی از عود کمک می گرفت.

در کلیسای انجیلی از دیر باز ارگ همان سهم را بعهده دارد که در کلیسای کاتولیک. ارگ در آواز دسته جمعی آواز کشیشان مقدمه را می نوازد و با آواز دسته جمعی محاوره می کند؛ فقط در کلیسای انجیلی آواز مؤمنین نیز هست که ارگ هم مقدمه آنرا می نوازد و هم با آن محاوره می کند. در «ویتن برگ»<sup>۱</sup> وضع چنین بود که ارگ تقریباً با همه قطعات آواز - چه متعلق به کشیشان بود و چه به آواز دسته جمعی و با مؤمنین اختصاص داشت - مقدمه را اجرا می کرد و در اجرای بعضی قسمت ها با آواز دسته جمعی شریک می شد. ما از طریق «ولفگانگ موسکولوس»<sup>۲</sup> که در سال ۱۵۳۶ برای طبقه بندی آیات انجیلی به «ویتن برگ» سفر کرد و در کلیسای «ویتن برگ» سرودهای مذهبی را شنید و آنرا توصیف کرد باین اطلاع دست یافته ایم.

حالا خوب می توان به معنای دستوری که در آئین نامه های کلیسائی قرن پانزدهم و شانزدهم دیده می شود پی برد در این مقررات نوشته شده است که ارگ را باید با پیروی از آوازهای کلیسائی نواخت. با این جمله تجویز می شود که پس از اختتام بیت و قسمتی که نوازنده ارگ می نوازد آواز مؤمنین باید آغاز شود. اما در عین حال بطور مکرر اخطار می شود که در این کار نباید افراط کرد بلکه در هر سرود حداکثر باید دو یا سه بار چنین اتفاقی بیفتد. «مقررات کلیسائی شتراسبورگ» مورخ ۱۵۹۸ و همچنین «آئین نامه مؤمنین نورنبرگ» مورخ سال ۱۶۰۶ چنین مقرر می دارد و از همراهی کردن

۱ - Wittenberg

۲ - Wolfgang Musculus

ارگ در بدو امر و حداقل تا سه نسل بعد بهیچوجه حاجتی در میان نبود .  
کورچگونه به کورال مؤمنین ملحق شد؟ آیا کور بجاری ارگ این وظیفه  
را تقبل کرد تا رهبری آواز مؤمنین را بعهده گیرد و از آن حمایت کند؟  
نگاهی به کتابهای اولیه سرودی که مختص به عبادت بود بما می آموزد که  
که چنین چیزی بهیچوجه در محاسبات لوتر وارد نبود .

جزوه سرود «ارفورت»<sup>۱</sup> که قبلا از آن ذکرى بمیان آمد و مؤلف و  
گردآورنده آن «یوستوس یوناس»<sup>۲</sup> بود بهیچوجه سرودهای کلیسایی  
نبود بلکه همان طور که بخوبی و بوضوح از عنوان آن برمی آید این سرود  
ها برای خواندن در منزل تألیف شده بود . ملودی بالای سرود بطور يك  
صدائی یادداشت شده بود تا این که رئیس خانواده آنها را به کودکان و خدمه  
منزل بیاموزد . «کاتارنیا سل»<sup>۳</sup> یکی از زنان اصلاح طلب شتراسبورگ  
چنین آرزو داشت که : «يك مادر بیچاره و فقیر بخواب راحت برود اما چون  
ناگزیر باید برای تکاندن گهواره نوزاد قنذاقی از خواب برخیزد بنا بر این  
در ضمن هم سرودی از مضامین خدائی برایش زمزمه کند » این يك طریقه  
صحیح خواباندن کودک بود و خدا را از انواع آهنگهای دیگر که در کلیسای  
کاتولیک برای خواب کردن کودک با ارگ می نوازند خوشتر می آمد.<sup>۴</sup>

کتاب کورال کلیسایی<sup>۵</sup> که لوتر و والتر در سال ۱۵۲۴ در ویتن برگ  
منتشر ساختند - در حالی که در ارفورت « انشی رییدیون » در دست چاپ بود -  
اصلا به آواز مؤمنین توجهی نمی کند . این سرودها چیز دیگری نیستند جز  
کورالهایی که توسط کور چهار، پنج صدائی خوانده می شود . اما هم آوازی  
مؤمنین اصولا از این طریق غیر ممکن بود زیرا ملودی کورال برای تنور  
نوشته شده نه برای سوپرانو . در این صداها که محتمل است نت آنها را یکی  
از دوستان نقاش و منبت کار لوتر یعنی « لوکاس کارناخ » نوشته باشد، موت  
های کورال توسط کور خوانده می شد یعنی این ها موت هائی بودند بایک  
آواز ثابت و این صورت متداول موسیقی مذهبی و دنیوی آن روزگار بود .

۱ - Erfurter Enchiridion - ۲ Justus Jonas

۳ - Catharina Zell

۴ - کاتارنیاسل در مقدمه کتاب سرود خود چاپ ۱۵۳۴ . رجوع کنید به ریچل .

۵ - Kirchenchoralbuch

در وجود لو تر شخصیت هنرمند پایای شخصیت مرد مصلح پیش می-  
رفت . هر گاه لو تر تنها به اندیشه های اصلاح طلبانه خود پای بند می بود می-  
بایست عبادت های کلیسایی را عین عبادت های ساده منزل ترتیب دهد و بنا بر این  
کورال مؤمنین تنها موسیقی قابل قبول در مراسم عبادت باشد . در واقع هم  
در نوشته های اصولی اولیه او در باب عبادت همین جهت آشکار است . اما  
عظمت و در عین حال جنبه خطرناک او در این بود که هیچوقت از ابتدا فکر  
پایان کار را نمی کرد بلکه همان طور که از خصوصیات نوابغ است او هم به ضد  
و هم به نقیض آن جان می داد .

لو تر یکی از تحسین کنندگان موسیقی کنتربوانی هلند بود . او موسیقی  
هلندی را یکی از کامل ترین تجلیات ذات باری می دانست . حتی  
حتی يك بار گفت « آن جا که موسیقی طبیعی از طریق هنر صیقل  
می خورد و جلا می گیرد و آدمی تماشا می کند و قسمتی از حکمت کامل ذات  
احدیت را ( زیرا حکمت الهی بالتمام در خور فهم و دریافت آدمی نیست )  
در این موسیقی عجیب و حیرت انگیز در می یابد . در این نوع موسیقی قبل از  
همه این مطلب شایان تحسین و اعجاب است که يك نفر ، آهنگ بدیانتوری  
را ( آنطور که موسیقی دانان می نامند ) می خواند در حالی که در  
پهلوی آن سه ، چهار یا پنج صدای دیگر نیز دوروبر این آهنگ بدیانتور  
می خوانند و در کنار او با هلهله این سو و آن سو می جهند و به نحو دیگر و با  
صدائی دیگر همان آهنگ را بنحوی اعجاب آمیز می آرایند و زینت می دهند  
و آنرا چون يك رقص دوره آسمانی هدایت می کنند ، و کسانی که کمی از  
این ماجرا می فهمند باید متحیر شوند و معتقد گردند که در جهان چیزی از این  
غریب تر نیست که آوازی را با چندین صدا مزین کنند « معجزه پولی فونی  
کنتربوان هیچگاه نه قبل از لو تر و نه بعد از آن باین خوبی توصیف نشده  
است .

ترجمه ك. جهانداري